

موانع رفتاری پیشرفت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه

اختر عباس*

چکیده

پیشرفت از اصلی ترین دغدغه های اجتماعی بشر می باشد به گونه ای که هر جامعه ای با ترسیم ضوابط، تعیین معیارها، به کارگیری عوامل کارآمد، فراهم سازی شرایط مساعد و شناسایی موانع در صدد پیشرفت اجتماع خویش است، اسلام دینی و حیانی مشتمل بر آموزه های قرآن و احادیث معصومین (ع) می باشد که راهنمای انسان برای کسب سعادت دنیوی و اخروی و از جمله پیشرفت می باشند، پژوهش پیش رو از یک سو با تحلیل نهج البلاغه به عنوان مهمترین منبع شناخت اسلام بعد از قرآن و احادیث نبوی، موانع پیشرفت یک جامعه را بررسی کرده و نشان داده مهمترین موانع کنشی (رفتاری) پیشرفت اجتماعی از منظر نهج البلاغه را برشمرده است: بی عدالتی، عدم الگو دهی مناسب در اجتماع، بی نظمی اجتماعی، ترک امر به معروف و نهی از منکر، ترک رعایت حقوق متقابل، بزرگ نمایی و بیان رفتار های نا مطلوب اجتماعی، ترک تشویق رفتار های مطلوب اجتماعی، سستی و بی تفاوتی جامعه، شیوع فسق و گناه در جامعه، فشارها و ظلم های اجتماعی، تحقیر، نقص سنت های اجتماعی پسندیده.

واژگان کلیدی: موانع رفتاری (کنشی)، پیشرفت، اجتماع، نهج البلاغه، امام علی (علیه

السلام).



مقدمه

مقصود از رفتار، همه اعمالی است که با اختیار از انسان سر می زند، اعم از آنکه این رفتار های درونی و به اصطلاح، جوانحی باشند، یا بیرونی و با به کارگیری اعضا و جوارح و به اصطلاح جوارحی.

به این ترتیب، یاد کردن، توجه کردن، فکر کردن، حل کردن مسئله، پرهیز کردن و ایمان آوردن از جمله رفتارهای درونی هستند. چنان که تقلید کردن، مستقل عمل کردن، سریع انجام دادن، هماهنگ کردن و انجام دادن فعل از روی ملکه و عادت نیز که گاه از مراتب و مراحل جنبه روانی حرکتی شمرده می شوند، از جمله انواع رفتارهای بیرونی به شمار می روند.

مشخصات کنشی انسان، مربوط به جنبه رفتاری انسان است؛ مشخصات کنشی، رفتار ارادی انسان را در بر می گیرد. کنش ها در علوم رفتاری و اجتماعی بررسی می شوند. مجموع بر آیندهای مختصات بینشی و بینشی سازنده مختصات رفتاری و عملی فرد خواهد بود و از آنها تأثیر خواهد پذیرفت.

۱. بی عدالتی

عدالت در لغت به معنای استقامت چیزی، مستقیم بودن، مساوات، داد، انصاف حکم حق، میزان و امری متعادل آمده است. (ابن منظور، لسان العرب، ص ۴۳۱)

یکی از موانع مهم و بارز برای پیشرفت اجتماعی عدم وجود عدالت در جامعه می باشد. جامعه ای که عدالت وجود ندارد هیچ امیدی برای زندگی شرافت مندانه یافت نمی شود. در جامعه تحت حکومت امام علی علیه السلام عدالت در جایگاه ویژه خویش قرار گرفته است به شکلی که حضرت علی علیه السلام را شهید عدالت خویش می دانند و می نامند و معتقدند که حضرت علی علیه السلام به شدت عدالت که در زندگی خود قرار گرفتند شهید شدند.

حضرت علی علیه السلام درباره بی عدالتی در نهج البلاغه می فرمایند:

«و لقد بلغني ان الرجل منهم كان يدخل علي المراه المسلمه و الاخري المعاهده، فينتزع حبلها و قلبها و قلاندها ورعثها، ما تمتنع منه الا بالاسترجاع و الاسترحام، ثم انصرفوا



وافرین ما نال رجلا منهم کلم و لا اریق لهم دم، فلو ان امرا مسلما مات من بعد هذا اسفا ما کان به ملوما، بل کان به عندي جدیرا» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

به من خبر رسیده که مردمی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده، وارد شده و خلخال و دستبند و گردن بند و گوشواره های آنها را به غارت برده، در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن نداشته اند... اگر برای این حادثه تلخ مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است.

رعایت عدالت در حکومت حضرت علی علیه السلام به نهایت خود رسیده حضرت علی علیه السلام تجاوز به حریم و گرفتن زیور آلات زنان مسلمان و غیر مسلمان و هتک حرمت آنها را در یک ردیف قرار داده و فرموده اند اگر برای این حادثه تلخ مسلمانی از روی تأسف بمیرد و جان دهد ملامت نخواهد شد و این نشان می دهد که حضرت علی علیه السلام چقدر برای عدالت ارزش قائل بوده اند عدالتی که نبود آن را به هیچ وجه بر نمی تابد و حتی حضرت بین شهروندان جامعه اسلامی از لحاظ وجود امنیت تمایزی نمی شوند و میان آنها به تساوی سخن می گویند و عدالتی یکسان لحاظ می دارند.

حضرت علی علیه السلام عدم وجود عدالت را اصل موانع پیشرفت اجتماعی می دانند ایشان به مالک اشتر چنین خطاب نموده اند. «و ایاک و الاستثار بما الناس فیه اسوه» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳)

«مبادا هر گز در آنچه با مردم مساوی هستی امتیاز خواهی»

اصل عدالت در جامعه اسلامی اساس وجود و همچنین و تداوم آن است. پیامبر گرامی اسلام ص نیز تداوم حکومت با کفر را ممکن می دانند اما تداوم حکومت همراه با ظلم را امکان پذیر نمی دانند. نبود عدالت در جامعه ای موانع زیادی را همراه می آورد که موجب می شوند که پیشرفت اجتماعی را از دست بدهند و باعث می شوند که جامعه را به انحطاط و سقوط بپرانند.

در جامعه ای که حکومت و زمامداری در دست مسلمانان اداره می شود همه و همه باید از

عدالت برخوردار باشند و بر قراری عدالت بدون هیچ قیدی و شرطی برای همه انسان ها لازم و ضروری است. شعار آزادی و آزادگی از فرمایشش امام علی علیه السلام رسا تر نمی شود. حضرت علی علیه السلام برقراری عدالت بیش از هر چیز تأکید می فرمایند و هیچ چیز اعم از رنگ و نژاد و زبان را دلیل موجهی برای محرومیت از حقوق انسانی نمی دانید و پیروی از سنت پیامبر اسلام (ص) عدالت را در همه شئون حکومت لازم الاجراء می دانند. حضرت عدالت را وضع امور در جایگاه خویش می دانند و چون اصلاح عموم را شامل می شود برتر و شریف شمرده اند استاد شهید مرتضی مطهری چنین سخن حضرت علی علیه السلام تفصیل داده اند: (عدل در اجتماع به منزله ی پایه های ساختمان است و احسان از اجتماع به منزله ی رنگ آمیزی و نقاشی و زینت ساختمان است). ابتداء باید پایه درست باشد سپس نوبت به زینت و رنگ آمیزی و نقاشی می رسد به علاوه که همین جود و بخشش اگر با رعایت موازنه اجتماعی صورت نگیرد، می تواند موجب بدبختی عمومی و خرابی اجتماع گردد. (مطهری، بیست گفتار، ص ۱۰)

بنابر این حضرت علی علیه السلام به هیچ کس حتی فرزندان خود اجازه نمی دادند که خارج از عدالت رفتار کنند و در مورد همه حتی فرزند خویش عدالت را بر قرار می نمودند. برای اینکه جامعه را به طرف رشد و تعالی هدایت کنند.

۲. عدم الگو دهی مناسب در اجتماع

از مهم ترین موانع پیشرفت اجتماع عدم الگو دهی مناسب در اجتماع و یا الگو گیری نا مناسب می باشد. وقتی سر لوحه کار الگوی نا مناسب قرار گیرد، تمام خط و مشی زندگی به سمت غلط و اشتباه پیش می رود.

خداوند کریم در قرآن بحث الگو دهی مناسب را مطرح کرده و پیامبر اسلام ص را به عنوان بهترین الگو معرفی می نماید؛ و بیان می کند که خداوند بر مؤمنان منت نهادند و رسولی از بین خود شان بر انگیختند تا به آن دستورات دین و حکمت را بیاموزند، گاهی افراد به سمت الگوهای زمینی قدم می گذارند و این امر هویت اجتماع را تهی و سطحی می گرداند. (علیخانی، عوامل آسیب رسان به رفتار اجتماعی مطلوب از دیدگاه نهج البلاغه، ص



۹۴) حضرت علی^{علیه السلام} در نهج البلاغه انتخاب الگوهای مناسب و پیروی های نامناسب و کور کورانه را بیان می کنند و نیز بر تربیت الگوها و رهبران در جامعه تأکید دارند.

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳)

کسی که خود را رهبر مردم قرار داد. باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد خود را بسازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد.

گریزه تقلید یکی از غرائز نیرومند و ریشه دارد، انسان است که گرایش انسان را به تقلید دیگران و تشبیه به آنها باعث می شود و یکی از عوامل اساسی در اعمال نیک و یا حتی ارتکاب به جرم می باشد.

از فواید الگوها، آموزش سریع مسائل و انتقال مفاهیم و معرفی مصداق ها به گونه ای قابل فهم است. (شکوهی یکتا، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش ها) ص ۱۶۲)

ابن ابی الحدید می گویند: باتوجه به مجموعه سخنان و سخن گهر بار حضرت علی^{علیه السلام} می توان این گونه بیان کرد که تأثیر گذاری کسی که پیش از دیگران، خود را تعلیم نموده است، بسیار بیشتر از کسی است که فقط به زبان دیگران را تعلیم و تأدیب نماید و طبع انسان اینگونه است که با مشاهده اعمال و افعال، سریع تر تأثیر می پذیرد تا با گفتار و فعل انسان بیشتر از قول انسان، دال بر احوال درونی است. (علیخانی، عوامل آسیب رسان به رفتار اجتماعی مطلوب از دیدگاه نهج البلاغه، ص ۹۵)

وجود الگوهای متضاد با فرهنگ اسلامی و یا عدم ارائه الگوهای مناسب اسلامی افراد را دچار سر درگمی و تعرض های روانی و شخصیتی می کند.

بنابر این عدم الگو دهی مناسب در اجتماع از موانع پیشرفت اجتماعی محسوب می شود و باید برای پیشرفت اجتماعی تربیتی اتخاذ گردد که الگوهای نامناسب از جامعه حذف و الگوهای مناسب به جای آنها جایگزین شوند تا در مسیر پیشرفت اجتماعی قدم برداشته شود.

۳. بی‌نظمی اجتماعی

حضرت علی^{علیه السلام} اهمیت ویژه و پررنگی به نظم اجتماعی داده‌اند. اگر در یک جامعه بی‌نظمی باشد آن جامعه نمی‌تواند به مسیر پیشرفت حرکت کند بلکه همین بی‌نظمی موجب می‌شود چند تا مانع دیگری بوجود بیآورد تا جامعه به خواسته خود نرسد. حضرت علی^{علیه السلام} نهج البلاغه به اهمیت نظم و برقراری نظم اجتماعی اشاره نموده‌اند. همچنین عدم وجود نظم اجتماعی را مانع پیشرفت اجتماعی شمرده‌اند: «أوصیکم و جمیع لدی و أنملی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم أمرکم» شما و جمیع فرزندانم و هر کس را که این پیام من به او برسد، به تقوی الهی و نظم در امور سفارش می‌کنم؛ و «و ایاک و العجله بالامور قبل اوانها، او التسقط فیها عند امکانها» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳) و پرهیز از شتاب در کارهایی که هنگام انجام آن نرسیده، ما سستی در آن چون انجامش ممکن گردید.

عدم وجود نظم اجتماعی سبب عدم پرورش استعدادها و قابلیت‌های فرد و اجتماع می‌گردد. بدون وجود نظم اجتماعی باید‌ها و نبایدها در جای خود قرار نمی‌گیرد و فرد و اجتماع از رشد لازم باز می‌مانند و بدین ترتیب گرایش‌های فردی و اجتماعی به بار نمی‌نشیند، جامعه رشد نمی‌کند و افراد به جای آنکه سبب رشد و پیشرفت روز افزون جامعه باشند بر عکس مانع پیشرفت و رشد جامعه می‌شوند.

اغلب نظام اجتماعی به نظم رایجی در اخلاق اطلاق می‌شود که اطاعت همگانی را از یک نظم ارزشی جا افتاده و رایج در جامعه اولویت می‌بخشد.

اما عدم وجود نظم اجتماعی جامعه را از مسیر ارزشهای اصیل و ریشه دار دور می‌کند و اذهان را از مسیر روشن و واضح به تیرگی می‌کشاند انسان‌ها نمی‌توانند بدون وجود قواعد و قوانین خاص و پیروی اکثریت جامعه از آن، به زندگی اجتماعی خود ادامه دهند.

اگر در جامعه نظم اجتماعی برقرار نباشد و گروه‌ها و کلیت افراد جامعه افراد قانونمند و منضبط نباشند و مردم به حقوق یکدیگر احترام نگذارند، سلامت از زندگی آنان رخت بر می‌بندد و تربیت اجتماعی تحقق پیدا نمی‌کند و پیشرفت اجتماعی نیز در چنین جامعه



تحقق پیدا نمی کند. علاوه بر قوانین رسمی و آداب و رسوم، اخلاق نیز در جامعه ضرر خواهد دید.

از آنجا که زندگی اجتماعی انسان ها در مقایسه با زندگی اکثریت حیوانات بسیار پیچیده تر است، لذا نظم اجتماعی برای این پچیدگی یک عامل حیاتی است اگر در شبکه وسیع روابط اجتماعی، هنجارها رعایت نشوند، زندگی اجتماعی مختل و جامعه عملاً فلج می شود. (رفیع پور، آناتومی جامعه، ص ۱۸۷)

عدم وجود نظم اجتماعی سبب می شود جامعه از سامان خارج شده و قوانین هیچ پشتوانه عملی و اجرایی نداشته باشند و نیز باعث وقت کشی هایی در سطح جامعه شده و حقوق متقابل انسانی خدشه دار می شود و بدون برقراری نظم اجتماعی پیشرفت فردی اجتماعی و رشد در جامعه تحقق نمی یابد.

۴. ترک امر به معروف و نهی از منکر

یکی از موانع مهمی که باعث عدم پیشرفت اجتماعی می باشد عدم وجود امر به معروف نهی از منکر در اجتماع می باشد. خداوند متعال در قرآن مجید و همچنین پیامبر گرامی اسلام ص در زندگی خود تأکید زیادی به این امر فرموده اند.

و همین طور حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه از امر به معروف نهی از منکر مطالب بسیاری بیان کرده اند که دارای کارکرد اجتماعی می باشد. در فرهنگ اسلامی از جمله در کلمات امیر المؤمنین علی علیه السلام بهای فراوانی به کارکرد این پدیده داده شده است. علاوه بر نظارت های رسمی که در حیطه نظام قضایی و سیاسی جامی گیرد و آنحضرت در دستوراتشان به والیان و نمایندگان شان به کرات مورد توجه و تأکید قرار می دهند بر نظارت اجتماعی عمومی و غیر دولتی نیز تأکید می کنند، به طوری که آن را از عوامل رشد و تعالی و نبود آن امر مانع رشد و تعالی جامعه می دانند. نظارتی که از ناحیه مردم جامعه اعمال می شود در قالب «امر به معروف نهی از منکر» مطرح گردد که عدم وجود این پدیده مذموم دانسته شده است.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «فان الله سبحانه لم یلعن القرن الماضي بین ایدیکم الا

لترکهم الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، فلعن الله السفهاء لركوب المعاصي والحلماء لترك التناهي» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

«زیرا که خدای، مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت مگر برای ترک امر به معروف نهی از منکر پس خدا بی خردان را برای نافرمانی و خردمندان را برای ترک باز داشتن دیگران از گناه لعنت کرد.»

هر جامعه هنگامی عمر می کند که عوامل پیوند دهنده افراد، نهادها و بخشش های آن که از عوامل ذهنی، معنوی و فرهنگی است، همچنان مقاوم و مستحکم باقی بماند و خللی شیرازه درونی آنرا سست نکند. توجه به ارزش ها، هنجارها معروف های جامعه و تناهی ارزشی ها، کثری ها و منکر های اجتماعی بر قوت و استحکام شیرازه و نظام باطنی و معنوی جامعه افزاید و آنرا رشد تعالی می بخشد.

بنا بر این نظارت ملی و مراقبت عمومی، شرط بقای موجودیت جامعه است. (هاشمی، عوامل تغییرات اجتماعی در نهج البلاغه، ص ۲۱)

ترک این دو وظیفه مهم اجتماع را به ورطه نابودی می کشاند و خلاهایی را در فضای جامعه ایجاد خواهد کرد و در نتیجه جامعه پیشرفت اجتماعی را از دست می دهد.

این یکی از موانع پیشرفت اجتماعی است که در سر نوشت جامعه و رشد تعالی و صلاح و فساد و دیگر گونی آن نقش عمده و تأثیر گذار خواهد داشت و در پیشرفت اجتماعی و تربیت اجتماعی جامعه نقش اساس را ایفا می کند

۵. ترک رعایت حقوق متقابل

هنگامی که شهروندان یک اجتماع و جامعه به حقوق یکدیگر احترام نگذارند این جامعه پیشرفت خود را از دست می دهد و این جامعه با آسیب های جدی رو برو خواهد شد، همچنین عدم رعایت حقوق متقابل ما بین هر دو طرفی که در جامعه وجود دارد مانع پیشرفت اجتماعی می باشد. حضرت علی^{علیه السلام} می فرمایند: «فقد جعل الله سبحانه لي عليكم حقا بولا يه امرکم و لکم علي من الحق مثل الذي لي عليكم» (نهج البلاغه، خطبه



«خداوند برای من بر شما به سر پرستی حکومت، حقی قرار داده و برای شما همانند حق من، حقی تعیین فرموده است.»

و در جای دیگر همین خطبه می فرمایند: «من حقوقه حقوقا افترضها لبعض الناس علي بعض، فجعلها تكافا في وجوهها و يوجب بعضها بعضا و لا يستوجب بعضها الا ببعض» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)

«پس خداوند برخی از حقوق خود را برای بعضی از مردم واجب کرد و آن حقوق را در برابر هم گذاشت که برخی از حقوق برخی دیگر را واجب گرداند و حقی بر کسی واجب نمی شود، مگر همانند آن را انجام دهد.»

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۳۴ از نهج البلاغه این چنین می فرمایند:

«ایها الناس ان لي عليكم حقا و لكم علي حق: فاما حقكم علي فالنصيحه لكم و توفير فينكم عليكم و تعليمكم كيلا تجهلوا و تاديبكم كيما تعلموا و اما حقي عليكم فالوفاء بالبيعه و النصيحه في المشهد و المغيب و الاجابه حين ادعوكم و الطاعه حين آمرکم.» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)

«ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من آن که از خیر خواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفا دار باشید و در آشکار و نهان برایم خیر خواهی کنید هر گاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و فرمان داد، اطاعت کنید.»

عدم رعایت حقوق متقابل باعث می شود که جامعه صلاح و تربیت اجتماعی را از دست بدهد و جامعه ای که در آن رعایت حقوق یکدیگر نشود به پیشرفت اجتماعی نخواهد رسید.

۶. بزرگ نمایی و بیان رفتارهای نا مطلوب اجتماعی

افشاء بزرگ نمایی و بیان رفتارهای نا مطلوب از موانع پیشرفت می باشد و رشد را نابود می کند و فرد اجتماع را در انجام این رفتار خبری می نماید انسان موارد فراوانی از خطاها و

لغزشها را می تواند نادیده بگیرد و در مجازات شتاب نرزد؛ و فرد را واگذارد تا فرصتهای لازم جهت اصلاح و پیشرفت خود و اجتماع را با باز یابد. (باقری، نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۱۵)

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز در بسیاری از موارد تا آنجا که ممکن بود از بیان گناهان و رفتاری های نا مطلوب خود داری می کردند.
حضرت علیه السلام فرمایند: «من أشرف أعمال الکریم غفلتة عما یعلم».

«از شریف ترین کردار مردم بزرگوار آن است که از آنچه می داند غفلت نماید.» در شرح این حکمت چنین آمده است: «بشر در زندگی لغزش هایی که از نظر اسلام قابل گذشت است، چشم پوشی کنند.» (زمانی نجف آبادی، نهج البلاغه از دیدگاه قرآن (ترجمه و شرح) ج ۴، ص ۲۱۶)

حضرت علی علیه السلام در موارد مختلف سفارش نموده اند که از بیان خطاها و لغزش ها جلوگیری شود و توصیه می کنند که تامی توانی از خشم و غضب خود بر علیه مردم جلوگیری کن و تغافل به خرج بده.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه پس از اعلام نا رضایتی خود از قضیه حکمیت، خطاب به مردم می فرمایند: «و ما علی إلاّ الجهد، ولو أشاء أن أقول لقلت» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳)

وظیفه من جز تلاش و کوشش در اصلاح امور شما نیست، اگر می خواستم، بی مهری های شما را باز گو می می کردم حضرت در شفاف نمایی کارهایی انجام شده و بسیاری از رفتار هایی نا مطلوب تغافل نمودند تا جامعه از خط و مستی اصلی خود منحرف نگشته و کج دار و مریض به سمت جلو حرکت کند؛ اما اگر همان موقع این رفتارها باز می شد و در انتقام باز می گشت اثری از اسلام باقی نمی ماند در مجموع شفاف نمایی رفتار هایی نا مطلوب اثرات بسیار منفی دارد و به همین خاطر است. دست اندر کاران حکومتی باید بسیاری از موارد ایجاد شده را در جامعه شفاف نمایی نمایند و به صورتی محرمانه سرو سامان دهند.
«این گونه بر خورد خطا کار را در اصلاح عملش، بیش از اخطار و طرح تمامی لغزش ها،



راغب تر وشایق تر می کند.» (دانشگر، بررسی زمینه های آموزشگاهی آسیب پذیری تربیت دینی دانش آموزان از دیدگاه دبیران دینی و قرآن، ص ۶۸) از مجموع از موانع پیشرفت اجتماعی محسوب می شود که اگر این در جامعه یا اجتماع شکل بگیرد آنها از رشد و پیشرفت و اصلاح باز می دارد.

دین مبین اسلام تلاش می کند تاثیر افت و کرامت و عزتمندی تمام انسانها را در جامعه حفظ نماید و وظیفه تمامی افراد علی الخصوص حاکمان اجتماعی جلوگیری از این شفاف و نمایی است.

۷. ترک تشویق رفتارهای مطلوب اجتماعی

انسان ها به دلیل حب ذات و در واقع حس «خود دوستی» در برابر رفتار های صحیح باید مورد تمجید و تشویق واقع شوند. در مقابل آن اگر هر رفتار نا مطلوب مورد تشویق قرار گیرد بصورت عادت جایگزین رفتار مطلوب اجتماعی می شود. سر کوب نشدن رفتار های نا مطلوب موجب عدم پیشرفت اجتماعی می باشد. حضرت علی علیه السلام در عهد نامه مالک اشتر نخعی در مورد اهمیت تشویق چنین فرمان داده اند: «و لا تكوننّ المحسن و المسئئ عندک بمنزلۀ سوء، فإن فی ذلک تزهيدا لأهل الأحسان فی الإحسان و تدریبا لإهل الإساءة علی الإساءة». (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

«هر گز نیکو کار و بدکار در نظرات یکسان نباشند؛ زیرا نیکو کاران در نیکو کاری بی رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می گردند.»

کمتر کسی است که در برابر فدا کاری های و فعالیت ها و اقدامات نیک خود در بر خود سرد دیگران را که حاکی از بی تفاوتی آنها است را بنگرد و در عین حال با شوق و علاقه و کوشش خویش ادامه بدهد تجربه نشان داده است که به جزء انبیاء و اولیاء الهی و دست پروردگان خاص آنان که تکالیف خود را بدون توجه به نوع بر خورد دیگران محکم و استوار انجام داده، بی اعتنایی و یا حتی مخالفت مردم، کوچک ترین خللی در اراده پولادین آنان ایجاد نمی کند، نوع مردم هنگامی که عکس العمل سرد و منفی اطرافیان خود را برابر تلاش ها و رفتار پسندیده خود مشاهده کنند، نسبت به ادامه فعالیت خویش بی علاقه می گردند.

حضرت علی^{علیه السلام} در کلام گهر باری نقش اساسی تشویق را این چنین معرفی و بیان فرمودند: «و اصل فی حسن الثناء علیهم...؛ و تحرّض النامل» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳) «و همواز آنان است پیش کن و کارهای مهمی که انجام داده اند به شمار، زیرا یاد آوری کارهای ارزشمند، شجاعان را بر می انگیزاند و ترسوها را به تلاش وا می دارد.»

تفاوت گذاشتن میان نیک و بد در نوع بر خورد احترام توجه، نه تنها با عدالت منافاتی ندارد، بلکه سوق دادن جامعه به سوی صلاحیت ها است و ارج نهادن به نیکی ها و نیکان است. این تفاوت رفتار به خاطر تفاوت عمل دیگران، هم در محیط خانه و میان فرزندان و هم در اجتماع قابل عمل است. (محدثی، اخلاق معاشرات، ص ۱۹۹)

و این عمل ضامن پیشرفت جتماع است؛ و نبود آن موجب آسیب جدی به بدنه اجتماع و رفتار های اجتماعی مطلوب محسوب می شود و جلوی پیشرفت اجتماعی قرار می گیرد مانع آن می شود.

۸. سستی و بی تفاوتی جامعه

از مؤلفه های موثر در موانع پیشرفت اجتماعی سستی و بی تفاوتی جامعه به دلایل مختلف است. سستی باعث تضعیف حقوق فرد و جامعه است. زمانی که مردم بایستی حضور بر رنگ خود را در مقابله با دشمنان به منصفه ظهور نهند به دلیل سستی و بی تفاوتی جبهه بوجود آمده را به دشمن واگذار نموده و موجبات سقوط و انحطاط جامعه را رقم می زنند.

در واقع یکی از دلایل رونق مبارزه مخالفان در حکومت حضرت علی^{علیه السلام} و دشمنی با آن حضرت کم توجهی و بی مبالاتی مردم زمانه به خصوص مردم عراق و کوفه نسبت به دستورات امام علی^{علیه السلام} بوده است.

گرچه جامعه ای در بر همای از زمان دارای حمیت و عزم بوده اما با گذشت زمان و دگرگونی اندیشه و عمل می تواند دچار اضمحلال و نابودی شود لذا آن حضرت این مهم را از اسباب سقوط جوامع اسلام پیشرفت معرفی می نمایند: وَقَدْ تَرَوْنَ عُهُودَ اللَّهِ مَنقُوضَةً فَلَا تَعْتَصِبُونَ! وَأَنْتُمْ لِنَقْضِ ذِمِّمِ آبَائِكُمْ تَأَنَّفُونَ! وَكَانَتْ أُمُورُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ تَرْدُ، وَعَنْكُمْ تَصُدُّ، وَإِلَيْكُمْ تَرْجِعُ، فَمَكَّنْتُمُ الظَّالِمَةَ مِنْ مَنْزِلَتِكُمْ، وَالْقَيْمِمْ إِلَيْهِمْ أَرْمَتَكُمْ، وَأَسْلَمْتُمْ أُمُورَ اللَّهِ فِي أَيْدِيهِمْ، يَعْمَلُونَ



بِالشُّبُهَاتِ، وَيَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ، وَإِيْمُ اللّٰهِ، لَوْ فَرَّقُوْكُمْ تَحْتَ كُلِّ كَوْكَبٍ، لَجَمَعَكُمْ اللّٰهُ لَشَرِّ يَوْمٍ لَهُمْ! (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶). با آن همه بزرگواری و کرامت، هم اکنون می نگرید که قوانین و پیمان های الهی شکسته شده اما خشم نمی گیرید، در حالی که اگر پیمان پدرانتان نقض می شد ناراحت می شدید، شما مردمی بودید که دستورات الهی ابتدا به دست شما می رسید و از شما به دیگران ابلاغ می شد و آثار آن باز به شما بر می گشت؛ اما امروز جایگاه خود را به ستمگران واگذارید و زمام امور خود را به دست بیگانگان سپردید و امور الهی را به آنان تسلیم کردید! آنهایی که به شبهات عمل می کنند و در شهوات غوطه ورنند. به خدا سوگند! اگر دشمنان، شما را در زیر ستارگان آسمان بپراکنند، باز خداوند شما را برای انتقام گرفتن از ستمگران گرد می آورد. در اینجا حضرت مردم را به علل شکست و عدم پیشرفت را بیان می کند که شما به اوامر الهی سستی و بی تفاوتی می ورزی، همین باعث شده که بر شما ستمگران چیره شوند.

همچنین حضرت علی علیه السلام یکی از عوامل شکست کوفیان را بی تفاوتی در ... با دشمنان برشمرده و می فرماید: «أَقْوَمُ فِيكُمْ مُسْتَصْرِحًا، وَأُنَادِيكُمْ مُتَعَوِّثًا، فَلَا تَسْمَعُونَ لِي قَوْلًا، وَلَا تُطِيعُونَ لِي أَمْرًا، حَتَّى تَكْشِفَ الْأُمُورُ عَنِ عَوَاقِبِ الْمَسَاءَةِ، فَمَا يُدْرِكُ بِكُمْ نَارٌ، وَلَا يُبْلَغُ بِكُمْ مَرَامٌ، دَعَوْتُكُمْ إِلَى نَصْرِ إِخْوَانِكُمْ فَجَرَّ جُرْتُمْ جَرَّ جَرَّةِ الْجَمَلِ الْأَسْرَى، وَتَثَاقَلْتُمْ تَثَاقُلَ النَّصُورِ الْأَدْبَرِ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَيَّ مِنْكُمْ جُنَيْدٌ مُتْدَائِبٌ ضَعِيفٌ (كَأَنَّهَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ)». (نهج البلاغه، خطبه ۳۹)

در میان شما به پا خاسته فریاد می کشم و عاجزانه از شما یاری می خواهم، اما به سخنان من گوش نمی سپارید و فرمان مرا اطاعت نمی کنید تا آن که پیامدهای ناگوار آشکار شد، نه با شما می توان انتقام خونی را گرفت و نه با کمک شما می توان به هدف رسید. شما را به یاری برادرانتان می خوانم، مانند شتری که از درد بنالد، ناله و فریاد سر می دهید و یا همانند حیوانی که پشت آن زخم باشد، حرکتی نمی کنید. تنها گروه اندکی به سوی من آمدند که آنها نیز ناتوان و مضطرب بودند، «گویا آنها را به سوی مرگ می کشانند و مرگ را با چشمانشان می نگرند».

حضرت امیر المؤمنین در دوران حکومت خویش مبتلا به چنین مردم سست عنصری بودند که در کلمات مختلفی از آنان شکوه نموده اند؛ و سستی های آن را به آنها گوشزد می کردند، اما آنها به فرمایشات امام خود توجه نمی کردند.

حضرت در یکی از خطبه ها سستی و بی تفاوتی مردم کوفه را بیان می کنند و آنها را سرزنش می کنند که چرا فقط شعار می دهید ولی در عمل کار سستی می ورزید. این سستی و بی تفاوتی جامعه موجب می شود رفتار پیشرفت از دست برود و در این حالت پیشرفت اجتماعی صورت نمی گیرد، بلکه ممکن است، چنین اجتماع رو برو انحطاط و مشکلات دیگر شود.

۹. شیوع فسق و گناه در جامعه

وقتی در جامعه ای امر به معروف و نهی از منکر اسیر خواهش های نفسانی شده و بی تفاوتی بر افراد حاکم شود. نتیجه ای جز غوطه ور شدن جامعه را در انواع گناهان و فجور عائد و ... ساخت.

چنانچه امر به معروف و نهی از منکر مربوط به تمام اقشار جامعه است. میان فساد حکومتی و مردم هم رابطه تنگاتنگی وجود دارد. وقتی امرای حکومت مرتکب فساد و بی بند و باری شوند مردم فاسد می شوند. (نقوی قاینی خراسانی، مفتاح السعادة، پیشین، ج ۳، ص ۳۰۲) و از طرفی هم «لا تصلح امر الولاة الا استقامه الرعية». (بحرانی، اختیار مصباح السالکین، پیشین، ص ۳۱۲) یعنی مردمان می توانند از حاکمان جلوگیری کنند و یا خود سبب تسهیل فساد در آنان باشند.

شیوع فسق و فجور در جامعه موجب سرگردانی و حیرت افراد جامعه شده و باعث گمراهی دولت ها ملت هاست. البته در این میان سکوت انسان های به ظاهر با ایمان هم کمک به ترویج معاصی می نماید و الهی آنان را هم در بر می گیرد. لذا حضرت می فرمایند: «الراضی بفعل کالداخل فیه معهم و علی کل داخل فی باطل إثم إثم العمل إثم الرضی به» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴)

آنکه به کار کسانی خشنود است چنان است که در میان کار آنان بوده است و هو که در



بایستی بالهاد دو گناه بر گردن وی افتاد گناه کردار و گناه خشنودی بدان کار.

در توضیح مطلب، این میثم می بویسد:

وجه شبه شرکت داشتن با آنان در خشنودی به آن عمل لازمه اش علاقمندی و میل قلبی به آن کار و رابطه آن کار با طبع اوست. امام علیه السلام از ورود در کار نادرست به دلیل گناهای که در پی دارد بر حذر داشته است. گناه انجام کار روشن است و اما گناه رضایت به کار از آن رو که خشنودی به کار نادرست نتیجه علاقمندی به آن است، پس چنین علاقمند های خود ناپسند و گناه است. حضرت در جای دیگر می فرمایند، هر کس که دنبال گناه باشد در هلاکت است؛ «فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحَيَّرَ فِي الظُّلُمَاتِ، وَازْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ، وَمَدَّتْ بِهِ شَيَاطِينُهُ فِي طُغْيَانِهِ، وَزَيَّنَتْ لَهُ سَيِّئَ أَعْمَالِهِ، فَالْحِنَّةُ غَايَةُ السَّابِقِينَ، وَالنَّارُ غَايَةُ الْمُفْرَطِينَ. اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ، أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ، وَالْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ ذَلِيلٍ، لَا يَمْنَعُ أَهْلَهُ، وَلَا يُحَرِّزُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷). پس آن کس که جز به حساب نفس خویش پردازد، خود را در تاریکی ها سرگردانف و در هلاکت افکنده است. شیطان ها مهارش را گرفته و به سر کشی و طغیان می کشانند و رفتار زشت او را در دیده اش زیبا می نمایند، پس بدانید که بهشت پایان راه پیشتازان و آتش جهنم، سر انجام کسانی است که سستی می ورزند. ای بندگان خدا! بدانید که تقوا، دژی محکم و شکست ناپذیر است، اما هرزگی و گناه، خانه ای در حال فروریختن و خوار کننده است که از ساکنان خود دفاع نخواهد کرد و کسی که بدان پناه برد در امان نیست.

در حقیقت فسق زمینه ای برای ظلم در همه سطوح ارتباطی فراهم می کند و وقتی ظلم که خروج از اعتدال و عدالت است، ارکان اصلی جامعه را فرا بگیرد، جامعه به مقتضای طبیعت خود که عدالت و اعتدال جامعه است عمل نخواهد کرد و اراده خدا نیز که مبنی بر عذاب و هلاکت جامعه فاسق است در پی خواهد آمد. پس تا می توان می بایست با احساس مسولیت و وجدان بیدار در صدد جلوگیری از شیوع معاصی در جامعه نمود چرا که نفع این کار اول از همه به خود فرد بر میگردد و افراد جامعه را هم به سمت نیکی ها سوق داده و بستر های اقتدار و اعتدالی اجتماع را فراهم می گردد.

۱۰. فشارها و ظلم های اجتماعی

ظلم و فشار از موانع پیشرفت اجتماعی می باشد که شاید بیشترین فشار روانی را بر افراد وارد می کند شاید به همین دلیل است که پیامبر گرامی اداره مملکت را با ظلم امکان پذیر نمی دانند و ادامه این حکومت را ناممکن قلمداد می کنند. جامعه ای که ظلم در آن وجود داشته باشد، آینده ای جز هلاکت و نابودی را متصور نیست.

ظلم و فشار صدها موانع دیگری را به وجود می آورد که جو ظلم و بیداد را در جامعه ایجاد می کند. زندگی در چنین جامعه ای قابل تحمل نیست، افراد جامعه پیشرفت فردی و اجتماعی را از دست می دهند.

حضرت علی علیه السلام در این خصوص می فرمایند:

«و لا تظلم كما لا تحب ان تظلم و احسن كما تحب ان يحسن اليك و استقبح من نفسك ما تستقبحه من غيرك» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

ستم مکن چنانچه دوست نداری بر تو ستم رود و نیکی کن چنانچه دوست می داری به تو نیکی کنند و آنچه از جز خود زشت می داری برای خود زشت بدان.

حضرت علی علیه السلام در زیر فشار های اجتماعی وارده بعد از رحلت رسول اکرم ص خطاب به ابو عبیده جراح در مقابل سخنان ظالمانه او در غصه توسط ابوبکر پاسخ دادند.

«ما معاشر المهاجرین و الانصار، الله الله لا تنسوا عهد بینکم الیکم فی امری و لا تخرجوا سلطان محمد (ص) من داره و قعد بیته الی دورکم و قعربیوتکم ما ولا تدفعوا أهله عن حقه و مقامه فی الناس» (هاشمی خوئی، منهاج البلاغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۹)

ای گروه مهاجر و انصار پرهیزید و از خدا بترسید و عهد و پیمانی را که پیامبر ص در مورد من از شما گرفت، فراموش نکنید و قدرت و فرمانروایی محمد ص را از خانه و خاندانش بیرون نبرید و خانه های خود را مرکز آن قدرت قرار ندهید. خاندان پیامبر را از حق و موقعیت اجتماعی شان محروم نکنید.

حضرت علی علیه السلام در مقابل ظلم ایشان ساکت نیستند و زیر بار ظلم نرفته، همچنان بر عقیده خود باقی بودند و بدون بیعت با ابوبکر به خانه خود بازگشتند. (عسکری، عبدالله بن





سبا و دیگر افسانه های تاریخی، ص ۱۲۸)

بنا بر مخالفت سخت حضرت امیر المؤمنین علی^{علیه السلام} ابوبکر تصمیم گرفت که حضرت علی^{علیه السلام} را بکشد و برای این کار خالد بن ولید را انتخاب کرد و به خالد گفت: تا زمانی که علی^{علیه السلام} زنده است، این قدرت حکومت برای ما فایده ای نخواهد داشت آیا نشنیده ای به ما چه گفت و چگونه با ما رو برو شد؟

ما از او ایمن نیستم که در نهان مردم را فراخواند که گروهی پاسخش را دهند و با ما بجنگد و می دانی که او شجاع ترین فرد عرب است و دیدی که ما مرتکب چه کاری شدیم و در حکومت پسر عمویش که در آن حقی نداشتیم، بر او غلبه کردیم و فدک را از همسرش گرفتیم.

پس هنگامی که به اقامه نماز صبح با مردم پرداختم، تو بر خیز و در کنارش بنشین و باید که شمشیرت همراهت باشد، هر گاه نماز گزاردم و سلام دادم، گردنش را بزن (هلالی، کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج ۲، ص ۶۷۹)

مهم ترین امر مؤثر در تثبیت حکومت ابوبکر، استفاده از ابزار فشار و ظلم تهدید و زور در برابر مخالفان و اعمال جور و وحشت در جامعه اسلامی بود؛ و عمر نخستین کسی است که بعد از رحلت رسول خدا ص شمشیر کشید و با خشونت تهدید کرد که اگر کسی مرگ پیامبر ص را ادعا کند، او را با شمشیر خواهد کشت.

سیمای خلیفه دوم آن چنان با هیبت و ترسناک بود که وقتی دستور داد تا زن حامله ای را نزد وی ببرند، زن از ترس سقط جنین کرد. (بحرانی، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۵۱۵)

این ظلم ها و مناسبات اجتماعی و چنین رفتاری هایی به هیچ وجه با کرامت انسانی و مساوات اجتماعی که ارمغان اسلام بود، سازگاری نداشت. (دلشاد تهرانی، دولت آفتاب، اندیشه سیاسی و سیره حکومت علی (ع)، ص ۳۶)

فشار روانی و ظلم اجتماعی در چنین جامعه ای بیداد می کرد؛ و سراسر نهج البلاغه فریاد خاموش امام علی^{علیه السلام} نیز از جامعه ای این ظلم ها و فشار ها سبب شد که پیشرفت حقیقی اسلام به دست بیاوریم و نیز مسلمین پیشرفت اجتماعی را هم از دست دادند و شکل اسلام

از لحاظ فکری، اعتقادی و ... تغییر کرد.

۱۱. تحقیر

زمینه تمامی رفتارها و کردارهای اجتماعی افراد به تربیت شخصیتی آنان باز می‌گردد و من جمله مواردی که زمینه آسیب شخصیتی را سبب می‌شود تحقیر شخصیت افراد می‌باشد. عدم پیشرفت جوامع بشری است تحقیر شمردن عده‌ای به دیگران است که لطمه بزرگی مهمی به شخصیت فردی و اجتماعی می‌زند.

تحقیر موجب بروز عقده‌های روانی شده و از اختلال شخصیت جلوگیری می‌کند حضرت امیر علیه السلام بارها به امر پرهیز از تحقیر و احترام به شخصیت دیگران تذکر داده‌اند. در سفری که به شام داشتند در سر راه صفین، دهقانان شهر انبار تا امام را دیدند پیاده شدند و پیاپی آن حضرت می‌دویدند حضرت علیه السلام فرمودند چرا چنین می‌کنید؟ گفتند عادت است که که بادشاهان خود را احترام می‌کنیم حضرت در جواب ایشان فرمودند:

«وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أَمْرًاؤُكُمْ وَ إِنَّكُمْ لَتَشْفُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ وَ تَشْفُونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ»

به خدا که امیران شما از این کار سودی نبرند و شما در دنیایان خود را بدان به رنج افکنید و در آخرتتان بدبخت می‌گردید (نهج البلاغه، حکمت ۳۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و سایر ائمه نیز از هر گونه تحقیر کردن دیگران بر حذر می‌داشتند لذا تحقیر بعنوان مانع پیشرفت اجتماعی و عامل زمینه ساز آسیب اجتماعی مطرح می‌باشند جامعه سالم جامعه عادی از هر گونه عامل تحقیر کننده در اجتماع می‌باشد آن طور که حضرت امیر می‌فرمایند:

«بزرگ ندارید بزرگان خود را تا بزرگ بدارند شما را کوچکان شما» (خوانساری، شرح بر غرر

الحکم و درر الحکم، ج ۶، ص ۲۳)

حضرت علی علیه السلام آن شخصیت و الامقام از هر گونه تحقیر کردن و عدم احترام به دیگران دوری می‌نمودند چرا که حضرت تمام جوانب اجتماعی و فردی را رعایت می‌نمودند.



«حقارت نفس آدمی را از امور... انسانیت تنزل می دهد و او را به اسارت امور بست می کشاند».(دلشاد تهرانی، مشرب مهر: روشهای تربیت در نهج البلاغه، ص ۳۸۲)

این قضیه زمانی اهمیت خاص تر پیدا میکند که در مورد امرای مطرح گردد حاکم و فرمانروا در اجتماع بسیار تأثیر گذار است و نباید شخص حقیر بعنوان فرمانروای مسلمانان در رأس و اداره امور قرار بگیرد فرمانروا باید از هر گونه احساس حقارت و پستی دور باشد تا بتواند موج مثبت را از خود به دیگران انتقال دهد و این امر در ایجاد آسیب های اجتماعی بسیار مؤثر است. اگر یک فرمانروا شخص حقیر و سبک سری باشد باعث می شود که آن جامعه را تعالی و پیشرفت سوق ندهد بلکه به سقوط انحطاط می برد.

حاکم فاسد تمامی امور اجتماعی را فاسد کرده و روابطه مردم را به فساد می کشاند سوء مدیریت حاکم از مواردی است که آسیب های وارده به اجتماع از جانب وی قابل شمارش نیست زیرا مردم پیرو امراء حاکمان خود هستند.

و اهمیت این قضیه قابل اندازه گیری نیست همچنین حضرت علی علیه السلام قساوت و دوری مردم از حکومت را از اثرات سو تحقیر دانسته وقتی برای مشرکین نیز رفتاری متعادل و میانه روی و عدم تحقیر را سفارش نموده اند:

«فَإِنَّ دَهَاقِينَ أَهْلَ بَلَدِكَ شَكُوا مِنْكَ غِلْظَةً وَ قَسْوَةً وَ احْتِقَارًا وَ جَفْوَةً وَ نَظَرْتُ فَلَمْ أَرَهُمْ أَهْلًا لِأَنْ يُدْنُوا لِشِرْكِهِمْ وَلَا أَنْ يُقْصُوا وَ يُجْفُوا لِعَهْدِهِمْ فَالْبَسُ لَهُمْ جِلْبَابًا مِنَ اللَّيْنِ تَشْوِبُهُ بِطَرَفٍ مِنَ الشَّدَّةِ وَ دَاوِلُ لَهُمْ بَيْنَ الْقَسْوَةِ وَ الرَّأْفَةِ»

همانا دهاقین مرکز فرمانداریست، از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند من درباره آنها اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم، زیرا که با ما هم پیمانند پس در رفتار با آنان نرمی و درشتی را به هم آمیز. (نهج البلاغه، نامه ۱۹)

تحقیر از موارد زمینه ساز عدم پیشرفت اجتماعی دارای اثرات بسیار عمیق و قابل تأملی می باشد که باید بسیار مورد توجه جدی حکام قرار گیرد.

۱۲. نقض سنت های اجتماعی پسندیده

یکی از موانع پیش رفت اجتماعی نقض زمینه ها و اقتضاها و سنت های پذیرفته شده یک

اجتماع می باشد از آنجایی که جامعه بعنوان یک کل از تک تک افراد آن جامعه تشکیل شده است، می تواند بصورت کلی بر روی افراد خود تأثیر فراوانی داشته باشد. آداب و رسوم هر جامعه ای همانند قالبی است که رفتارها را شکل می دهد. انسان ها هنگامی که ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی که در قالب قوانین و سنن جلوه می کنند، باشند در پر تو این آداب و رسوم ساخته و ویرایش شده و مسیر سعادت خویش را بهتر می پیمایند.

اما اگر این سنت های اجتماعی نقض شوند اجتماع از هم پاشیده و مانع پیشرفت اجتماعی در اجتماع صورت می گیرد.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «و اتباع ما امر به فی کتابه من فرائضه و سننه» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

«و آنچه در کتاب خدا آمده است، از واجبات و سنت ها را پیروی کند.»

پیروی از سنت های اجتماعی سبب اصلاح بسیاری امور اجتماعی است و نقض این سنت ها جامعه را از مسیر پیشرفت، اصلاح و تربیت اجتماعی آن جامعه دور می کند. حضرت علی علیه السلام در این مورد می فرمایند:

«و لا تنقض سنه صالحه عمل بها صدور هذه الامه و اجتمعت بها الالفه و صلحت علیها

الرعیه و لا تحدثن سنه تضر بشیء من ماضی تلک السنن» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳)

و آیین پسندیده ای را که بزرگان این امت بدان رفتار نموده اند و مردم بدان به هم پیوسته نیک اند و با یکدیگر سازش کرده اند، برهم مریز و آیینی قرار مده که چیزی از سنت های نیک گذشته را زیان سازند بسیاری از سنت های اجتماع باخوی مردم پیوند خورده و جامعه بر اساس آن شکل گرفته است. نقض این سنت ها در واقع سست کردن پایه های بنیان های اساس آن اجتماع می باشد و مانع پیشرفت اجتماعی آن جامعه می باشد.

حضرت علی علیه السلام در مورد نقض این سنن تذکر داده اند و فرمانداران را به این نکته متذکر

گشته اند؛ و با اعتقادات و مذهب مردم پیوند خورده است که حضرت امیر علیه السلام در مورد

آن فرموده اند. «و الواجب علیک ان تتذکر ما مضی لمن تقدمک من حکومه عادل، او سنه

فاضله، او اثر عن نبینا صلی الله علیه و آله و سلم او فریضه فی کتاب الله، فتقتدی بما



شاهدت مما عملنا به فیها» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳)

«بر تو لازم است که حکومت های دادگستر پیشین، سنت های با ارزش گذشتگان، روش های پسندیده رفتگان و آثار پیامبر اکرم ص و واجباتی که در کتاب خدا را همواره به یاد آوری و به آنچه ما عمل کرده ایم پیروی کنی» بسیاری از سنت های اجتماعی مورد پسند عموم است که نقض اینها ناخوشا بندی عموم را در پی دارد. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرمایند: «و احذر کل عمل اذا سئل عنه صاحبه انکره او اعتذر منه» (نهج البلاغه، خطبه ۶۹)

از کاری که تو را خشنود عموم مسلمانان را ناخوشایند است، بپرهیز از هر کار پنهانی که در آشکارا شدنی شرم داری پرهیز کن، از هر کاری که از کننده آن پرسش کنند، نپذیرد یا عذر خواهی کند، دوری کن.

از دیدگاه حضرت علی علیه السلام علاوه بر لزوم پیروی از احکام و قوانین الهی در جامعه، پیروی از آداب و رسوم و عادات صحیح اجتماعی نیز برای حفظ ارکان جامعه و رسیدن به پیشرفت اجتماعی ضروری است؛ و نقض این سنت های پسندیده مانع پیشرفت اجتماعی شده آسیب اجتماع عمیق محسوب می شود که بارها بارها مورد تأکید امام علی علیه السلام واقع شده است.

امام علی علیه السلام بازگشت به قرآن و سنت پیامبر ص را تنها عامل وحدت مسلمانان دانسته و در همان عصر خویش در عهد نامه مالک این نکته را بسیار صریح آورده است. «و اردد الي الله و رسوله ما يضلحك من الخطوب و يثبته عليك من الامور» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳)

هر پیشامد سخت که بر تو گران آید و کارهای سختی که حق و باطل بودن آن بر تو همانند نماید، به خدا و پیامبرش بازگردان.

حضرت علی علیه السلام به طور جدّ و سخت سنت های زمان پیامبر ص را اجرا می کردند. این همه تلاش و جد و جهد امام علی علیه السلام نشان می دهد که بر پا کردن سنت های الهی اجتماعی در جامعه یک کار بسیار مهم و با ارزش است و اگر در اجتماع نقض سنت های

پسندیده اجتماعی صورت گیرد آن جامعه نمی تواند پیشرفت کرده و تربیت اجتماعی برسد.

نتیجه

با توجه به سخنان حضرت امیر المومنین (ع) در باب موانع رفتاری پیشرفت اجتماعی میتوان این موانع را عبارت دانست از اموری مانند:

بی نظمی اجتماعی، تر امر به معروف و نهی از منکر، سستی و بی تفاوتی جامعه، شیوع فسق و گناه، فشارها و ظلم های اجتماعی، ترک رعایت حقوق متقابل، عدم الگو دهی مناسب در اجتماع و...؛ که با وجود این موانع جامعه نمی تواند، به پیشرفت اجتماعی دست یابد، لذا برای رسیدن به پیشرفت اجتماعی باید این موانع برطرف گردد تا جامعه بتواند در مسیر پیشرفت اجتماعی گام بردارد.



فهرست منابع

۱. ابن منظور جمال الدین محمد بن کرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۰۸ ق.
۲. ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۳. ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، مصباح السالکین، قم، مؤسسه علمی تحقیقاتی آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۳۹۳ ش.
۴. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، چاپ چهل و چهار، ۱۳۹۸ ش.
۵. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح بر غرر الحکم و درر الحکم عبدالواحد بن محمد تیمی آمدی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶ ش.
۶. دانشگر سعید، بررسی زمینه های آموزشی آسب پذیری تربیت دینی دانش آموزان از دیدگاه دبیران دینی و قرآن و مریبان پرورشی مقطع متوسطه شهر شیرازی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱ ش.
۷. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، مشهور، ۱۳۷۹ ش.
۸. دلشاد تهرانی مصطفی، مشرب مهر: روشهای تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا، ۱۳۷۹ ش.
۹. دلشاد تهرانی؛ مصطفی، دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (ع)، تهران، دریا، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۹ ش.
۱۱. زمانی نجف آبادی، مصطفی، نهج البلاغه از دیدگاه قرآن (ترجمه و شرح)، پیام اسلام، بی تا.
۱۲. شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش ها)، مشهد، به نشر، ۱۳۷۸ ش.

۱۳. عسکری، سید مرتضی، عبدالله بن سبا و دیگر افسانه های تاریخی، مجمع علمی اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
۱۴. علیخانی، معصومه، عوامل آسیب رسان به رفتار اجتماعی مطلوب از دیدگاه نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۲ ش.
۱۵. محدثی، اخلاق معاشرات، قم، بیست و پنجم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.
۱۶. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، قم: صدرا، چاپ چهل و سوم، ۱۳۹۵ ش.
۱۷. نقوی قاینی خراسانی، سید محمد تقی؛ مفتاح السعادة، تهران، مکتبه المصطفوی، بی تا
۱۸. هاشمی خوئی، حبیب الله، منهاج البلاغه فی شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات دار العلم، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. هاشمی، ضیاء، عوامل تغییرات اجتماعی در نهج البلاغه، مجله معرفت، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۷۶ ش.
۲۰. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس هلالی، قم، هادی، ۱۴۰۵ ق.